

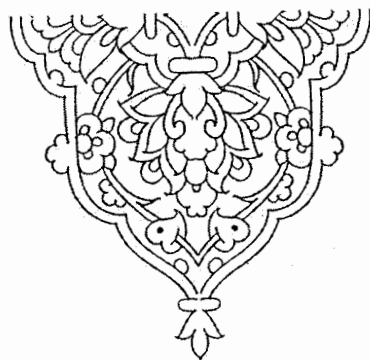


پایزنه

سکه مشاء سر و لیچنا مغول



احسان احسانی قاسمی

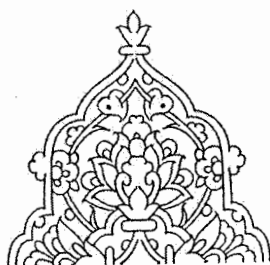


بہ نام خداوند پاکر ما و مہربانر ما



یادِ زینہ

یاد آور پاکر ماست



سکه شناسی ایلخانان مغول

با نگاه به تحولات دینی و مذهبی



پژوهش و نگارش :

احسان احمدی نایینی



میدان انقلاب، اول خیابان کارگر جنوبی، بن بست گشتاسب، شماره ۴ طبقه همکف

تلفکس: ۶۶۹۶۱۵۲۲ و ۶۶۹۷۵۲۴۶-۷ تلفن همراه: ۰۹۱۲-۱۰۵۴۰۹۸

www.pazinehpress.ir

چاپ اول: ۱۴۰۲

نام کتاب: سکه شناسی ایلخانان مغول با نگاه به تحولات دینی و مذهبی

ناشر و سرمایه گذار: پازینه . . .

تالیف: احسان احمدی نائینی

چاپ و صحافی: سیپیدان تهران

شمارگان: ۱۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۱۹۳-۸

حق چاپ محفوظ است

سرشناسه: احمدی نائینی، احسان، ۱۳۵۸- Ahmadi Naeini, Ehsan- عنوان و نام پدیدآور: سکه شناسی ایلخانان مغول با نگاه به تحولات دینی و مذهبی / احسان احمدی نائینی.

مشخصات نشر: تهران: پازینه، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.: مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۰-۱۹۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۶۹ - ۷۰.

موضوع: سکه های ایرانی - تاریخ

Coins, Iranian- History

سکه شناسی - ایران

Numismatics -- Iran

سکه شناسی اسلامی - ایران

Islamic numismatics -- Iran

موضوع: ایران - تاریخ - مغول و ایلخانان، ۶۱۶ - ۷۵۶ ق.

Iran -- History -- Mongols and Khanids, ۱۲۱۹ - ۱۳۵۵

رده بندی کنگره: CJ۳۷۶۴

رده بندی دیویی: ۷۳۷/۴۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۵۱۴۴۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

فهرست مطالب

۶		مقدمه
۹		دین و مذهب در ایران عهد ایلخانی
۹		تصوف
۱۰		بودائیت
۱۱		مسیحیت
۱۲		یهودیت
۱۳		اسلام
۱۷		بررسی مسکوکات ایلخانان مغول در ایران
۱۷		هولاکو
۲۲		اباقا
۲۶		احمد تگودار
۲۹		ارغوان
۳۳		گیتاخو
۳۵		بایدو
۳۷		غازان محمود
۴۲		سلطان محمد خدا بنده
۴۷		سلطان ابوسعید بهادر
۵۲		ارپاخان
۵۴		موسی خان
۵۷		محمدخان
۶۱		طغاتیمرخان
۶۵		ساتی بیک
۶۸		جهان تیمورخان
۷۰		سلیمان خان
۷۳		انوشیروان
۷۵		نتیجه گیری
۸۳		تصاویر رنگی



مقدمه

سکه‌ها از جمله منابع مهم تاریخی و با ارزش هستند که کمک زیادی به کشف بسیاری از ابهامات تاریخی می‌کنند، مورخ امروزی برای تحقیق درباره دوره ای که مورد نظر اوست علاقمند است از تمام امکانات موجود که او را به زمان مورد مطالعه‌اش نزدیک می‌کند استفاده کرده و با دقت در آنها مسایل پیچیده‌ای را که با تکیه بر منابع تاریخی نمی‌تواند باز کند، روشن نماید چرا که برخی از روایت‌های تاریخی مبهم است یا مورخان در خصوص آنها متفق القول نبوده، به اجمال نوشته یا نوشته‌هایشان با اغراض مختلف سیاسی نوشته شده است، یکی از منابع مهم تحقیق ادوار گذشته و بررسی اوضاع سیاسی، هنری، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی پیشینیان، بررسی سکه‌های آنهاست.

در گذشته دو چیز اعلام مشروعیت هر حاکم بود: ۱- ایراد خطبه به نام حاکم ۲- ضرب سکه به نام حاکم، سکه معیار سودمند برای شناخت مقیاس‌ها و اوزان نیز در ادوار گذشته به شمار می‌رود، با مطالعه شهرهایی که سکه در آنها ضرب شده، جغرافیای تاریخی آن مناطق را می‌توان با دقت بیشتری ترسیم نمود.

یکی از امتیازات مهم سکه در مقایسه با سایر آثار تاریخی، سالم ماندن آنها در طول زمان است اغلب یافته‌های باستان شناسی که از چوب، پارچه، استخوان، چرم و ساخته شده‌اند، در طول قرون و اعصار تحت تاثیر عوامل فرساینده در خاک از بین رفته است اما سکه به دلیل آنکه از فلزاتی نظیر طلا و نقره و سایر آلیاژهای فلزی ساخته شده، نسبت به سایر یافته‌های باستان شناسی مقاومتر بوده و اکثرأ در طول زمان سالم مانده‌اند.

امروزه سکه شناسی در بیشتر نقاط جهان مورد استفاده مورخان واقع شده است زیرا همگان به این موضوع پی برده‌اند که سکه شناسی علمی است که مهارت و اطلاعات خاصی را طلب می‌کند و حاصل کار سکه شناس و سکه پژوه در اختیار مورخ

برای تجزیه و تحلیل حوادث سیاسی، مذهبی و اجتماعی قرار می‌گیرد.

بی تردید عصر مغول یکی از مهم‌ترین اعصار تاریخ جهان و عصر ایلخانان یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران به شمار می‌رود. حمله مغول به ایران و استیلای مغولان پیامدهای متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای مردم ایران به بار آورد که این پیامدها هم منفی و هم مثبت بودند، پیامدهای منفی حمله مغولان قتل، غارت، ویرانی، مصائب اقتصادی و اجتماعی، از بین رفتن کتابخانه‌ها و آثار فرهنگی بوده، لیکن در کنار این مصائب و فجایع تاسیس حکومت ایلخانی تحول مثبتی در حیات سیاسی ایران به شمار می‌آید در این زمان برای اولین بار در ایران حکومتی روی کار آمده بود که نه تنها بر اکثر نواحی آن حاکمیت داشت بلکه مشروعیت خود را نیز از دستگاه خلافت عباسی نمی‌گرفت و از این تاریخ تا حدود زیادی وحدت سیاسی و سرزمینی ایران احیا شد، این استقلال سیاسی این امکان را فراهم آورد تا تحولات مذهبی ایران نیز تا حدودی روندی متفاوت از سایر سرزمین‌های اسلامی داشته باشد، از پیامدهای بارز و مهم این تحولات رشد قابل توجه گرایش‌های شیعی در جامعه ایران بود.

کتاب حاضر نگاهی دارد بر سکه‌های ۱۷ ایلخان مغول و بررسی شعارهای مذهبی آنها و در نهایت نتیجه‌گیری بحث.

لازم به ذکر است شیوه پژوهش در این کتاب با استفاده از روش میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده و مسکوکات سه موزه (بانک سپه، ملی ملک و ایلخانی مراغه) مورد بررسی قرار گرفتند ولی در نهایت به دلیل اینکه بسیاری از تصاویر مستند نگاری شده در موزه‌ها از لحاظ کیفیت قابلیت چاپ در کتاب را نداشتند و همچنین فرایند دریافت تصاویر با کیفیت بسیار پیچیده و زمانبر بود ترجیح داده شد از تصاویر سایتهای اینترنتی خصوصا از تصاویر مجموعه مجموعه دار فرهیخته دانمارکی آقای کریستین راسموسن Christian Rasmussen با کسب اجازه و ذکر منبع در پایان



کتاب استفاده شود البته در مواردی خاص به تصاویر موزه ای هم استناد شده است .
 بر خود لازم می دانم از زحمات و راهنماییهای استاد ارجمند دکتر مهدی عبادی
 استاد محترم تاریخ دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب ،جناب آقای Christian
 Rasmussen که در کمال فروتنی اجازه استفاده از تصاویر مجموعه خودشان را دادند،
 دکتر افشین براتی که زحمت ویرایش کتاب را متحمل شدند ،همکاران گرانقدرم در
 موزه بانک سپه ، موزه ملی ملک و موزه ایلخانی مراغه ، جناب آقای شریعت زاده
 مدیر محترم انتشارات پازینه و خانواده ام که در طی مراحل تهیه کتاب مشوق و یاورم
 بودند کمال تشکر و سپاس را داشته باشم.

احسان احمدی نایینی

دین و مذهب در ایران عهد ایلخانی

در عهد منگوقاآن، ایران تحت سلطنت خاندان هولاکو از شعبه فرزندان تولی دارای یک سلسله پادشاهی شد که آن را سلسله ایلخانان یعنی خانان محلی می‌گویند. جاه طلبی سلطان محمد خوارزمشاه که بدست چنگیز مغلوب و مقهور گردید بهترین قسمت‌های ایران را به تصرف مغول داد و مغولان در تسخیر این قسمت‌ها به هیچگونه مقاومت قابلی برنخوردند. هولاکو به سهولت بر امرای محلی که پس از انقراض دولت خوارزمشاهی در صدد احیای استقلال از دست رفته خود بودند غلبه یافت و پس از تسخیر بغداد، مستعصم آخرین خلیفه خاندان عباسی را نیز با کمال بی رحمی کشت و در راه پیشرفت خود به هیچ مانعی برنخورد مگر در شام که ممالیک مصر در مقابل او مقاومت کردند هولاکو در نتیجه این لشکرکشی مالک ممالک ایران و آسیای صغیر از هندوستان تا کنار دریای مدیترانه گردید^۱

۱- تصوف

مدارک مهمی از دوره ایلخانی در دست است که حاکی از وسعت زمینه تصوف و کثرت عده صوفیان در اکناف قلمرو ایلخانی و وجود خانقاههای بی‌شمار در شهرهای مختلف ایران و حمایت خاص فرمانروایان عصر از اهل خانقاه و متصوفه و توجه خالصانه و اظهار ارادت و زرای ایرانی ایلخانان نسبت به مشایخ و بزرگان تصوف می‌باشد. هر یک از کتاب‌های (مجموعه مکاتبات خواجه رشیدالدین فضل‌الله) (تاریخ مبارک غازانی) و (صفوه الصفای ابن بزاز) سندی گرانبهاست برای مطالعه در علل پیشرفت تصوف و گرمی بازار خانقاه‌ها و محترم و معزز بودن مشایخ و اولیای تصوف.

در هر یک از حوزه‌های علمی دوره ایلخانی یعنی شام، غازان، ربع رشیدی و حوزه سلطانیه خانقاه‌هایی برپا بوده، هر یک از این خانقاه‌ها موقوفاتی عظیم داشته و اهل خانقاه‌ها از لحاظ معیشت و وسایل زندگی مرفه بودند، برخی از وزرا و حاکمان حتی خود غازان خان از توجه به وضع خانقاه‌ها و رفاه حال ساکنین آنها لحظه‌ای غفلت نمی‌کردند، احکام و نامه‌هایی

۱- لین پول، استانی: تاریخ طبقات سلاطین اسلام: ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب: ۱۳۸۹، ص ۱۹۳



که از خواجه رشیدالدین در این باره صادر شده موید این مطلب است. توجه و تمایل وزیر رشیدالدین و فرزند او خواجه غیاث‌الدین به اهل تصوف در همین حد خاتمه نمی‌یابد و اظهار ارادت و خضوع در برابر مشایخ بزرگی چون شیخ صفی‌الدین اردبیلی و حواله سالانه وجوهی که به مصرف برپاساختن مجالس ذکر و سماع می‌رسیده و شرکت خود خواجه غیاث‌الدین در مجالس سماع از جمله نکات دیگری است که در منابع و مدارک این دوره می‌توان یافت.

توجه و علاقمندی مردم در این دوره به مذهب عرفان و مسلک طریقت تا جایی بوده است که رسماً از مشایخ بزرگ و از مراکز تصوف تقاضای اعزام نماینده و خلیفه می‌کردند و معلوم می‌شود که اهل آن روزگار مشتاق تربیت و تهذیب و محتاج و تشنه تسکین و آرامش روحی بودند و در نهایت تصوف در دوره ایلخانی با غلبه قشری نگری و دور شدن از ماهیت و تفکر اصلی به ابتذال گرایید، مثنوی جام جم اوحدی مدرک گرانبهایی است که از ابتذال تصوف در دوره ایلخانان و غلبه ظواهر و رسوم و غرض کسب حظوظ نفسانی بر حقیقت و معنای تصوف حکایت می‌کند، اوحدی در جام جم تحت عنوان (شرح حال اهل ذوق و تلبیس) می‌گوید: «دین و ایمان چون سیمرغ و کیمیا نایاب شده و طریقت و تصوف دامی گسسته که شیادانی به اسم پیر و شیخ در سر راه خامان ره نرفته گسترده‌اند».^۲

۲- بودائیت

با استقرار حکومت ایلخانان در آذربایجان، نفوذ دین بودایی در غرب ایران جلوه بیشتری پیدا کرد و مراغه، خوی واران مکانی مناسب برای معابد و بتکده‌های آنها گردید، در این زمان آیین بودا تا بدان حد در میان مغولان رواج پیدا کرده بود که آیین شمنی، یعنی دین آبا و اجدادی آنها را به شدت تحت‌الشعاع قرار داد، از این رو معابد زیادی بوسیله مغولان در ایران ساخته شد، بوداییان و بخشیان (روحانیان بودایی) زیادی که از هند، کشمیر، چین و سرزمین اویغور آمده بودند به ساختن معابد و بتخانه‌ها در جای جای این سرزمین پرداختند

۲- مرتضوی، منوچهر: مسائل عصر ایلخانان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۵ ص ۳۲۴-۳۲۵

و بتخانه‌های بزرگ و باشکوهی برپا گردید^۳

جنکلاون، بخشی بزرگ که بسیار مقبول ایلخانان بود در سال ۶۷۱ هـ ق مرد و با مرگ او بودائیت تا حدودی حمایت و پشتیبانی خود را از دست داد. در این زمان بتخانه مراغه شهرتی بسزا داشت و چهره اباقا بر دیوار آن نقش بسته بود، دوره اوج بودائی‌گری را باید دوره ارغون دانست که بودایی متعصبی بود و بخشیان او را احاطه کرده بودند، علاقه شخصی او به آئین بودا موجب شد که از سرزمین چین و تبت و هند و ایغور بودائیان جدیدی وارد ایران شوند، نقاشان و پیکره‌تراشان بودایی هم به ساختن تندیس‌ها و تزئین معابد مشغول شدند، با مرگ ارغون بودائیان نفوذ خود را به تدریج از دست دادند و در زمان غازان آثار و احوال آنها به طور کلی از ایران محو شد.

۳- مسیحیت

علاوه بر دین بودا، در دوره هلاکو، آیین مسیح نیز از نفوذ و اعتبار زیادی برخوردار شد و مسیحیان امتیازات و آزادی‌هایی به دست آوردند که تا آن زمان سابقه نداشت، مسیحیان که در راه اندازی لشکرکشی هولاکو به سوی سرزمین‌های اسلامی که به سقوط خلافت عباسیان انجامید نقش مهمی ایفا کرده بودند، به واسطهٔ دو خاتون مسیحی در بار، سر قوقتینی و دوقوز خاتون مادر و همسر هولاکو در دستگاه ایلخانی نیز نفوذ زیادی داشتند، مسیحیان در این دوره اجازه یافتند کلیساهای متعددی در آذربایجان و دیگر نقاط ایران بنا کنند، از آن جمله کلیسای (سوپ سرکیس خوی) که هنوز پابرجاست.

هولاکو از مسیحیان حمایت می‌کرد و به تقویت آنها می‌پرداخت تا جایی که به عنوان حامی مسیحیان شناخته شد این در حالی بود که او از آزار و تحقیر مسلمانان خودداری نمی‌کرد. بدین ترتیب تشکیل دولت ایلخانی و حاکمیت یاسا در ایران علاوه بر نفوذ آیین بودا با تقویت آیین مسیحیت نیز در این سرزمین همراه بود تا جایی که مسیحیان ایران

۳- عبادی، مهدی: «تاملی در تسامح مذهبی منولان در ایران» نشریه تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۷۱



هولاکو و دوقوزخاتون را نجات دهنده خود تصور می‌کردند.^۴

روحانیون مسیحی در اواخر سلطنت اباقا قدرت زیادی یافتند، اسقف بزرگ ماردنخا در سال ۶۷۹ هـ.ق مرد و ۲۴ نفر اسقفهای شهرهای گوناگون به نمایندگی از جوامع نسطوری به بغداد رفتند و در آنجا مارکوس را به ریاست مسیحیان نسطوری برگماشتند او بغداد را مرکز اسقف شرقی قرار داد و در آنجا مستقر شد. اباقا در سال ۶۸۰ هـ.ق با او ملاقات کرد و سالانه سه هزار دینار مقرری به وی بخشید، این اسقف جدید پس از مرگ اباقا یکی از شخصیت‌های متنفذ در بار مغولان گردید با روی کار آمدن احمد تگودار و پس نشینی مسیحیان آغاز شد. او امتیازات مسیحیان را سلب کرد و اسقفها را از تمامی امتیازاتشان محروم ساخت، با روی کار آمدن ارغون رفتار با مسیحیان بهتر شد و برخی از امتیازات پیشین آنها بدانها برگشت و مذاکرات با ممالیک مسیحی اروپایی از سر گرفته شد ولی نتیجه‌ای نداشت، گیخاتونیز مدارای دینی داشت و با مسیحیان رفتاری مطلوب در پیش گرفت و به آنها احترام گذاشت، بایدو گوشه چشمی به مسیحیان داشت و به آنها توجه می‌کرد تا آنجا که مسیحیان به پشتیبانی او برآمدند، ماریا (مریم) همسر مسیحی اباقا در روزگار او فعالیت‌های چشمگیر داشت با روی کارآمدن غازان خان وضع برگشت. اسلام و مسلمانان قدرت را گرفتند و مرحله جدیدی در فعالیت‌های دینی و مذهبی جامعه پدیدار شد.^۵

۴- یهودیت

ایلخانان به عنصر یهودیت به دلیل برخورداری از توان و استعداد آنها در امور مالی و دیوانی تکیه کردند. پس از آنکه ارغون پزشک دربار خود سعدالدوله یهودی را به وزارت برگزید او که مردی زیرک و با کفایت بود به زودی بر امور کشور ایران مسلط شد وی خویشاوندان و دست نشاندهان یهودی خویش را به مشاغل عالی منصوب کرد.^۶ سعدالدوله با وجود اینکه نخست اظهار اسلام و سعی در مسلمانی نمود ولی بعد از رسیدن به اوج قدرت

۴- همان، ص ۷۱-۷۲

۵- علیزاده مقدم، حمید رضا: پژوهشی در سکه‌های اولجایتو هشتمین ایلخان مغول: تهران: پایزنه: ۱۳۸۸، ص ۲۱

۶- رضایی، عبد العظیم: تاریخ ده هزار ساله ایران: جلد سوم، تهران: اقبال، ۱۳۸۱، ص ۲۱۸

دشمن خونی اسلام و مسلمین گشت حتی چنگیز و ارغون را پیغمبر خواند و با استفاده از کینه باطنی ارغون او را علیه اسلام و مسلمانان برانگیخت و دست به قتل بیگناهان گشوده مسلمین را از خدمت دیوان ممنوع ساخت،^۷ اما روزگار همواره بر این مدار نچرخید، شماری از فرماندهان مغولی که تحت نفوذ ایرانیان بودند از حرکات سعدالدوله بیمناک شدند و دوگانگی شدیدی در دربار ارغون بروز یافت، سعدالدوله با بیماری ارغون هراسان شد و درصدد دلجویی از مردم برآمد و صدقات و خیرات برای شفای خان راه انداخت، اما با مرگ ارغون کار سعدالدوله هم سرآمد و در سال ۶۹۰ هـ ق او را به قتل رساندند و مردم واکنش شدیدی نسبت به یهودیان نشان دادند و بیشتر آنها را از جامعه طرد کردند.

۵- اسلام

اگر چه سلطان احمد تگودار نخستین ایلخانی است که اسلام آورد و مغول را به قبول اسلام تشویق کرد ولی مسلمانی امرا و بزرگان مغول قبل از آمدن هولاکو به ایران سابقه دارد، حمله چنگیز به ایران رنگ ضد اسلامی نداشته و خان مغول بیشتر برای گرفتن انتقام خون رعایای خود و حفظ حیثیت سلطنت اقدام به این کار کرد. تاریخ دوره تسلط مغول نشان می‌دهد که اسلام پس از حمله مغول همچنان به حیات خود در ایران ادامه داد و پادشاهان و امرای مغول نیز رفته رفته تحت تاثیر نفوذ معنوی دین اسلام و تبلیغ و تشویق وزرا و مشاوران خود و بزرگان دین مبین قرار گرفته، مسلمان شدند. نکته قابل توجه در جستجوی علل این موضوع یعنی ادامه حیات و قوت اسلام در دوره مغول، سادگی آن قوم و نداشتن تعصب خاص مذهبی و عدم پیروی از سیاست دینی و ضد اسلامی است. پادشاهان مغول از زمان چنگیز خان تا اواخر حکومت ایلخانان ایران هیچوقت به فکر تحمیل مذهب و عقیده مخصوصی به مردم ممالک مفتوحه برنیامدند.^۸

هنگامی که کار شمشیر عنصر مغول در ایران به پایان رسید کار قلم آغاز گشت،

۷- مرتضوی، منوچهر: مسائل عصر ایلخانان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۵ ص ۱۸۰

۸- همان، ص ۱۸۵-۱۸۶



خاندان‌های دیوانسالار ایرانی با گردآوری شماری از صاحبان علم و اندیشه به تکاپو افتادند تا این عنصر بیگانه را زیر سلطه فرهنگ اسلامی و ایرانی در آورند. خاندان‌های خواجه نصیرالدین طوسی، جوینی‌ها، رشیدیها، صدر جهان و ...، این خاندان‌ها بودند که سنت‌های فرهنگ اسلامی و در حقیقت شریعت اسلامی را از نو زنده کردند، خواجه نصیرالدین طوسی را باید عصاره و چکیده فرهنگ اسلامی ایرانی دانست که برای سنت‌های ایرانی اسلامی بسیار کوشید، او پس از خاتمه فتوحات مغول از دانشمندان حمایت کرد، آنها را در مشاغل دیوانی وارد نمود، رصد خانه مراغه و کتابخانه عظیم آنجا را دایر کرد، او هرگز وارد وادی رقابت با خاندان جوینی نشد و آنها را تقویت کرد تا بتوانند در رقابت با بودائیان، مسیحیان و یهودیان پیروز شوند، خاندان جوینی نمونه‌ای از دیوانیان سنتی ایران بودند که با تسلط بر فن ترسل و مملکت داری و تکاپوی خویش توانستند فرهنگ ایرانی- اسلامی را حفظ کنند، گرچه به قیمت جانشان هم تمام شد.

از آغاز حکومت ایلخانان تا روی کار آمدن غازان دو نیروی متضاد در مقابل هم صف آرایی داشتند و پیدا و پنهان به چالش با یکدیگر مشغول بودند، یکی نیروی مغولان با تکیه بر ادیان بودایی، مسیحی، شمنی و یهودی و دیگری نیروی ایرانیان مسلمان با تکیه بر دین اسلام. در این کشاکش سرانجام دین اسلام موفق شد دین رسمی دولت ایلخانان گردد و شریعت اسلامی بار دیگر در سر تا سر امپراطوری تنفیذ گردد.

غازان خان که زاده و پرورده ایران و آشنا به فرهنگ اسلامی آن بود، هنگامیکه به دین اسلام گروید از میان مذاهب اسلامی دین حنفی را برگزید و مسلمانان با شنیدن این خبر به او لقب محمود دادند غازان خان دستور داد تا کفر را از کشور براندازند و کافران و مشرکان همه به اسلام بگروند تا در امان باشند پیکره‌های بودا و بتها را بشکنند و بتخانه‌ها و معابد و کلیساها و کنیسه‌ها را ویران سازند، رهبانان یا اسلام بپذیرند و یا از ایران بروند، در مهرها نام الله و رسول خدا به خط فارسی نقش بست و بر سرنوشته‌ها و مراسلات سلطانی و دیوانی نیز کلمه الله آمد و دین اسلام در تشکیلات دیوانی رسمیت یافت.

از برکت اسلام آوردن چهار حاکم مغول (احمد تگودار - غازان - اولجایتو و ابوسعید) از خشونت مغول کاسته شد، خانقاهها، مساجد و حوزه‌های علمیه رونق گرفتند، مناظره و گفتگوهای مذهبی باب شد.

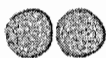
توجه و تدین ایلخانان مغول به دین اسلام باعث ترویج فوق‌العاده دانش و فرهنگ اسلامی و غلبه معنوی عنصر ایرانی و تمدن اسلامی بر مهاجمان وحشی و فاتحان نیرومند مغول حکایت می‌کند.

توجه به مذهب تشیع از عهد ایلخان غازان خان شروع شد و آن ایلخان که به گواهی کلیه اسناد و مدارک تاریخی، ذهنی روشن و اندیشه‌ای عمیق داشته، اگر چه تظاهر به تشیع نمی‌کرده ولی محبت حضرت علی (ع) و اولاد او را در دل داشته و گاه و بیگاه به مناسبتی این مهر و ولای باطنی را به ظهور می‌رسانده است ولی در روزگار او مذهب تسنن همچنان مذهب رسمی ممالک ایلخانی بود تا اینکه در عهد سلطان محمد خدا بنده بر اثر وجود مناظرات مذهبی، مشاوره امیر طرمطاز و تاثیرات مصاحبت با علامه حلی اولجایتو شیعه شد و مذهب تشیع رسمیت یافت و به گواه سکه‌ها تا اواخر عمر آن پادشاه مذهب رسمی دربار ایلخانی به شمار می‌رفت.

اولجایتو پس از قبول مذهب تشیع اطرافیان خود را به پذیرفتن این مذهب آزاد گذاشت، تعداد زیادی از مغولان راه سلطان را انتخاب کردند و برخی از آنان مانند امیر چوپان و امیر ایسین قتلح حاضر به تغییر مذهب خود و پذیرش تشیع نشدند^۹ اگر چه خود سلطان محمد خدا بنده همچنان به مذهب تشیع مومن و وفادار ماند، دشواری در ناکام ماندن تلاش‌های وی برای رواج مذهب امامی آن بود که پس از وی فرزندش ابوسعید بر همان مذهب تسنن باقی ماند^{۱۰} فراهم نبودن همه شرایط لازم برای تحول بنیادینی مانند پذیرش مذهب تشیع در جامعه عامل مهمی بود تا تثبیت تشیع در ایران تا دوره صفوی به تاخیر افتد.

۹- آهنجی، آذر، عبادی، مهدی: "بازخوانی رسمیت یافتن تشیع در ایران عهد اولجایتو" فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۸۹، ص ۸۰.

۱۰- جعفریان، رسول: تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی: قم: انصاریان، ۱۳۸۵، ص ۶۹۴.



بررسی مسکوکات ایلخانان مغول در ایران

۱- هولاکو (۶۵۱ تا ۶۶۳ هـ.ق)

هولاکو یا هولائو معروف به هلاکوخان یکی از چهار پسر تولی خان و نوۀ چنگیز خان بود، مادر و همسرش هر دو مسیحی بودند و به توصیه آنها با مسیحیان رفتار خوبی داشت، هولاکو شخصاً مذهب بودائی داشت اما در سکه‌هایش شعارهای اسلامی وجود دارد و در این زمان از فرهنگ مغول و نوشته‌هایی به خط ایغوری اثری نیست.

نوشته‌های سکه‌های هولاکو به صورتهای زیر در نمونه‌های مختلف آمده است:

یک روی سکه نام و القاب هولاکو به صورتهای زیر:

* منگو قا ان هولاکو خان (سکه شماره ۱)

* قا ان الاعظم هولاکو خان (سکه شماره ۲)

* قا ان الاعظم مونگکا قا ان هولاکو خان (سکه شماره ۳)

* قا ان الاعظم مونگکا قا ان هولاکو خان مالک الرقاب الامم خلد ملکه (سکه شماره ۶)

* قا ان الاعظم هولاکو ایلخان المعظم (سکه شماره ۴)

* قا ان الاعظم هولاکو المعظم (نمونه مشابه شماره ۴)

:

در اکثر سکه‌های هولاکو در طرفی که نام و القاب او نوشته شده در حاشیه سکه محل ضرب و تاریخ ضرب سکه نوشته شده است برای نمونه (بسم الله ضرب هذا درهم ب (نام شهر) سنه (تاریخ ضرب به هجری قمری))



در طرف دیگر سکه‌ها شعائر مذهبی نوشته شده است

* لا اله الا الله محمد رسول الله (سکه شماره ۱- حاشیه سکه شماره ۲)

* لا اله الا الله محمد رسول الله صلى الله عليه وسلم (سکه شماره ۳)

* الحمد لله، لا اله الا الله وحده لا شریک له، محمد رسول الله صلى الله عليه و سلم (سکه شماره ۵ و ۶)

* لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد رسول الله (سکه شماره ۴)

نوشته حاشیه دور سکه: قل اللهم مالک الملك توتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء ... انک علی کل شی قدیر (بخشی از آیه ۲۶ سوره مبارکه آل عمران) (سکه شماره ۵)

در برخی از نمونه سکه‌های مسی از تصاویر مختلف حیوانات، اشکال هندسی و ... هم استفاده شده (سکه شماره ۲)

در آزمایشات آنالیز آلیاژی که توسط تعدادی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس تهران و دانشگاه آزاد پیشوا ورامین انجام گرفته آلیاژهای غالب سکه‌های هولاکو بر اساس جامعه آماری نمونه دارای ۶۷ تا ۹۳ درصد نقره، ۶ تا ۲۰ درصد مس و مقدار کمی در حدود ۰/۶ تا ۰/۸ طلا و سایر عناصر کم اهمیت بوده‌اند.

تنوع نقوش سکه‌های ایلخانان خصوصاً در سکه‌های مسی زیاد بوده و در شهرهای مختلف قلمرو حکومت ایلخانان ضرب می‌شدند.

